



درآمدی بر مسئولیت کیفری ربایک از منظر قواعد فن آوری و حقوق اسلامی

محمدعلی حاجی ده آبادی^۱

فاطمه بهزادی نیا^۲

صالح اسماعیلی^۳

چکیده

با توجه به رشد صنعتی جوامع و پیشرفت فناوری، بشر هر روز به اختراعات جدیدی دست پیدا می‌کند و در مقام استفاده از آن‌ها بر می‌آید. در سایه پیشرفت فناوری و پیدایش مفاهیم جدید هوش مصنوعی، دانش ربایک نیز وارد مرحله جدیدی از حیات خویش شده است. به گونه‌ای که امروزه امیدواری بشر برای تحقق آرزوی دیرینه‌ی ساخت انسان مصنوعی افزایش یافته است. ضرورت اتخاذ قواعد و ضمانت‌اجراهایی که بتواند استفاده از این ابزارآلات فنی را در بستری امن تضمین نماید، از لوازم ورود در این مرحله است. مبنای عمده توجیه کننده‌ی جرم‌انگاری نقض این قواعد را می‌توان ابتدا در محافظت از افراد در برابر صدمات ناشی از فعالیت با این ابزارآلات صنعتی و پیشگیری از خطرات بی‌شمار آن دانست؛ اما آیا می‌توان به مسئولیت ربایک که فاقد عقل و شعور است و صدماتی جبران‌ناپذیر بر کسی یا چیزی وارد کرده است قائل شد و او را مجازات کرد؟ این نوشتار به بررسی مسئولیت کیفری ربایک می‌پردازد، شاید روزنه‌ای شود که در آینده، یافته‌های حاصل از آن در عرصه تقنین مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ربایک، مسئولیت کیفری، صدمه، جرم‌انگاری، مسئول ناشی از فعل غیر

۱- استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسؤول).

رایانامه: dr_hajidehabadi@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم و مدرس دانشگاه.

۳- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل قشم و مدرس دانشگاه.





مقدمه

خداوند به عنوان یگانه مبدأ دارای صلاحیت قانونگذاری، احکام خویش را در قالب قرآن و در راستای تمیز حق از باطل نازل فرموده است.^۱ مبادی شریعت شامل دستوراتی است که از سوی پروردگار بر زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری شده،^۲ و از اهداف وضع این دستورات، احترام به قانون و عمل به آن به عنوان یک فریضه اجتماعی است، تا امر و نهی شارع مقدس به صورت واجب و حرام مورد اطاعت و تبعیت کامل قرار گرفته، و کیفرهای دنیوی و اخروی به مثابه ضمانت اجرای تخلف از آن‌ها مورد توجه ابنای بشر واقع گردد. اصل مسئولیت جزایی مسأله‌ای است که در مورد شخص بزهکار مطرح می‌شود.

با این وجود، گاه انسان‌ها، نه به طور مستقیم، که از طرقی با واسطه، در نقض قواعد قانونی مداخله می‌نمایند، که در اینجا این سؤال پیش می‌آید که می‌توان در چنین فرضی نیز برای افراد مسئولیت قائل شده و کیفری را متوجه آن‌ها نمود.

ارتکاب جرم از طریق ربات‌ها در زمره‌ی چنین کنش‌های خطا کارانه‌ای است، که تعیین اشخاص مسؤول و حدود مسئولیت آن‌ها در بعد کیفری، می‌تواند ابعاد جدیدی را بر روی پژوهشگران عرصه عدالت جزایی بگشاید.

واژه ربات در فرهنگ لغت به معنای آدم‌واره، آدم ماشینی، آدم آهنی آمده است (ملبوی، ۱۳۸۳: ۱). واژه‌ی مذکور از کلمه ربات در زبان چک مشتق شده که به معنای کار اجباری است. اگر چه واژه ربات تا قرن بیستم مطرح نشده بود، اما از سال‌ها قبل، ایده‌ی ساخت موجودات مکانیکی خودکار در گوشه و کنار جهان وجود داشت؛ و حتی پدید آوردن چنین محصولی از ایده فراتر رفته و همت بهترین مخترعان عصر باستان را مصروف خود نمود، تا که با تقلید از حیات انسان و حیوان، وسایل خودکاری ایجاد نمایند. در جنگ جهانی دوم، واژه ربات به خلبان‌های خودکار نیز نسبت داده شد و

۱. انعام، ۵۷.

۲. شوری، ۱۳.



در سال ۱۹۵۴ اولین ربات صنعتی ساخته شد و مجوز ساخت ربات صنعتی نیز در همان سال درخواست گردید (ملبوی، ۱۳۸۳: ۱-۲).

ممکن است تصویر ربات در اذهان عامه‌ی مردم، به عنوان موضوعی در فیلم‌ها یا یک موجود وهمی ویرانگر تداعی شود، در حالی که حقیقت ربات ترکیبی از قطعات مکانیکی است که توسط انسان ساخته شده و برای انجام کارهای خاص برنامه‌ریزی گردیده است (ملبوی، ۱۳۸۳: ۳-۴).

در حال حاضر، عموماً ربات‌ها موجوداتی مرده و بی‌جان تفسیر می‌شوند؛ در شرایطی که واقعیت پیشرفت هوش مصنوعی، ربات‌ها را به عنوان کنشگرانی فعال پدیدار می‌سازد که می‌توانند اعمالی نظیر تقلید رفتار، کنجکاوی، یادگیری و خلاقیت هدفمند را انجام دهند (Neilm, 2011: 4). امروزه نسلی از ربات‌ها در حال تحول هستند که می‌توانند ببینند، بخوانند، صحبت کنند، یاد بگیرند و حتی مانند انسان احساس داشته باشند. ربات‌ها امروزه در صنایع و حرف گوناگون نقش آفرینی‌های وسیعی دارند. به عنوان نمونه، در جراحی‌های حرفه‌ای ربات‌ها نقش بسیار حیاتی دارند، به نحوی که توسعه رباتیک، اصل امکان جراحی از راه دور را امکان‌پذیر می‌کند. پزشک بدون حضور فیزیکی در اتاق جراحی، با دستور دادن به ربات عمل جراحی را انجام می‌دهد، که این عمل فرصت‌های بزرگی برای عملیات جراحی بر روی بیمارانی که به هر دلیل در دسترس نیستند، آن‌هم با دقیق‌ترین شیوه، فراهم می‌کند.

به هر روی، ربات‌ها خدمت‌گذاران وفاداری به جامعه بشری بوده، که امروزه در کارخانه‌ها، ادارات و حتی منازل حضور داشته و نقش ویژه‌ای در رفاه زندگی بشری برعهده دارند. به رغم این مطالب، ربات‌ها می‌توانند آسیب‌ها و خسارات شدیدی نیز به بار آورند و در ارتکاب جرایم به کار گرفته شوند. با توجه به نسل‌های جدید ربات که از آن به نسل هوشمند تعبیر می‌شود، جای این سؤال وجود دارد که آیا می‌توان برای آن‌ها در ارتکاب جرم مسئولیتی را شناسایی کرد و مورد مجازات قرار داد. این مقاله در ابتدا مسئولیت کیفری ربات‌ها، و آن‌گاه در بند بعدی واکنش کیفری نسبت به آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

۱. مسئولیت کیفری ربات‌ها

بررسی مسئولیت کیفری ربات مستلزم آن است که علاوه بر تبیین مبانی مسئولیت کیفری و جرم‌انگاری فعالیت‌های رباتیک، نحوه‌ی نمود این مسئولیت در هر یک از جرایم مورد مطالعه قرار گیرد.





۱-۱. مبانی مسؤولیت کیفری رباتیک

ربات، نوعی ماشین است، بنابراین طراحی این گونه ماشین‌های باهوش باید به گونه‌ای باشد که همواره در خدمت آرمان‌های والای بشری مورد استفاده قرار گیرند (Hallevy, 2010: 1). از زمانی که فعالیت ربات‌ها جایگزین اقدامات انسانی شده، به عنوان وسیله‌ای صرف از آن‌ها استفاده گردیده، به نحوی که هیچ تفاوت واقعی بین یک ربات و یک پیچ گوشتی در نظر گرفته نمی‌شد (Hallevy, 2010: 1-2).

بدین منظور بایسته است شیوه و نحوه بکارگیری این ابزارها را قاعده‌مند و تحت شمول قوانین خاص خود در آورد. آیزاک آسیموف قوانین حاکم بر رباتیک را در قالب سه قاعده بیان کرده است: اول، یک ربات نباید به انسان آسیب برساند یا در اثر عدم فعالیتش اجازه دهد انسانی دچار آسیب شود؛ دوم، یک ربات باید فرمان‌های انسان را اطاعت کند، مگر اینکه در تضاد با قانون اول باشد؛ سوم، یک ربات باید از خویش محافظت کند، مادامی که این محافظت مخالف قوانین قبلی نباشد (Hubbard, 2012: 6). قواعد مذکور که می‌توان از آن‌ها به عنوان "قواعد فن‌آوری ناظر بر عملکرد رباتیک" یاد کرد، حدود عملکرد و مسؤولیت ربات‌ها را مشخص می‌سازد، که در ادامه بیشتر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

نظامات و تعالیم حیات بخش اسلام که متکی بر حاکمیت الله است، متضمن مشخصات و ویژگی‌های ممتازی است که هر کدام از آن‌ها، معیار و میزانی را شکل می‌بخشد که بیانگر اهمیت اصول و قواعد حاکم بر نظام اسلام است. قوانین جزایی اسلام، به عنوان بخشی از این نظام، که مستخرج از آیات قران و روایات معصومین (علیهم‌السلام) است، راه تکامل و تعالی انسان‌ها را تضمین می‌نمایند. به همین مناسبت پیروان شریعت، تبعیت از اوامر و نواهی آن را یک فریضه و تکلیف خود تلقی می‌نمایند، تکالیفی که تخلف از آن‌ها گناه و جرم محسوب شده و مستوجب کیفر دنیوی و عقوبت اخروی است. مطالعه تاریخ حقوق جزا نشان می‌دهد که پس از استقرار آیین اسلام، نظام کیفری این مکتب، جرایم و تخلفات را تحت نظم و قواعد مشخصی قرار داده، که متشکل از اصول شکلی و ماهوی متعددی بوده که در سایر نظامات حقوقی سابقه نداشت و زمینه صیانت از آرمان‌های الهی جوامع بشری و کرامت، حقوق و آزادی‌های انسانی را به خوبی تأمین می‌نمایند. در این نظام، ضمن پذیرش اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری، در کلیه جرایم، برخورداری





مرتکب از شرایط عامه تکلیف یعنی عقل، بلوغ، اختیار و علم بر حرمت را شرط ثبوت مسئولیت جزایی دانسته، و از این طریق اطفال، دیوانگان و مردگان را مصون از تعقیب و مجازات نگه داشت. مختصات قرآنی مسئولیت و موارد استعمال مسئولیت را در بعضی از آیات نظیر: آیه اول سوره مبارکه انفال، آیات (۵۶) و (۹۳) سوره مبارکه نحل، آیه (۲۴) سوره مبارکه صافات و آیه (۲۴) سوره مبارکه انبیاء می توان پیگیری نمود (ولیدی، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۲۱۶).

مسئولیت جزایی مسأله ای است که در مورد شخص مرتکب جرم یا گناه مطرح می شود و موضوع آن بررسی توانایی و اهلیت مرتکب جرم و سایر شرایط لازم برای احراز مجرمیت کیفری است. به عبارت دیگر بزهدار زمانی کیفر خواهد دید که شرعاً و عرفاً قابل بازخواست باشد، این قابلیت بازخواست در حقوق کیفری اسلامی تحت مفهوم مسئولیت اخلاقی مطرح می شود، که عبارت است از هر نوع مسئولیتی که انسان نسبت به خدا، خود یا دیگران دارا می باشد. در مقررات کیفری اسلام، اعم از حدود و قصاص، مادامی که قابلیت بازخواست وجود نداشته باشد، هیچ گونه مجازاتی در حق مجرم اعمال نخواهد شد و بر این اساس یکی از شروط تحمیل کیفر، اثبات مسأله مسئولیت جزایی مرتکب جرم است. در مورد موضع حقوق اسلامی، مطابق نظر اکثریت علمای شیعه، بلوغ قانونی در مردان، از اتمام سن ۱۵ سالگی و ورود به ۱۶ سالگی، و در زنان، از اتمام سن ۹ سالگی و ورود به ۱۰ سالگی تعیین می یابد؛ بنابر این کسی که به سن بلوغ نرسیده مکلف نیست، انهایه در باره جرم قتل عمدی، فقها عمد کودک را به منزله خطا دانسته و حکم به ضمان عاقله نموده اند. در تکرار جرم سرقت نیز سن تمیز کودک را ملاک قرار داده اند و در صورت ارتکاب این جرم از سوی کودک ممیز تأدیب توسط حاکم تجویز شده است. یکی دیگر از شرایط مسئولیت جزایی عاقل بودن مرتکب است، لفظ عاقل در مقابل مجنون استعمال می شود. در فقه اسلامی روایات راجع به رفع قلم دلالت بر آن دارد که بار تکلیف از دوش مجانین بر داشته شده است. در حقوق اسلامی، جنون مرتکب زمانی موجب اسقاط تکلیف و زوال مسئولیت می گردد، که شخص در حال ارتکاب جرم مبتلا به جنون باشد.

علم به حرمت، به عنوان مؤلفه دیگر ثبوت مسئولیت جزایی، که معادل اطمینان (علم عادی) در اصطلاح فقهی است، جهت تحقق قابلیت بازخواست در افراد لازم انگاشته شده





است. هر اندازه که علم انسان بیشتر گردد استعداد تکلیف پذیری او تقویت می شود. چه تکالیف ناشی از دستورات مذهبی، روابط اجتماعی یا مقررات قانونی باشند، علم و اطلاع از وجود آن‌ها، یکی از شرایط تحقق مسئولیت جزایی محسوب می شود، که نصوص اسلامی بر آن تأکید دارند. قرآن کریم در سوره مبارکه اسرا مقرر فرموده که هیچ قومی را به جرم تخلف از قانون عذاب نمی کنیم، مگر آنکه حجت بر آن‌ها تمام شده باشد. از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نیز نقل شده که اگر کسی اسلام آورده و به آن اعتراف کند، و سپس شراب بنوشد، زنا کند، در حالی که حلال و حرام برای او روشن نشده، حد بر او جاری نمی شود (حر عاملی، ۱۴۰۱: ۳۲۳).

اختیار نیز از دیگر شرایط ثبوت مسئولیت جزایی است که مبتنی بر آزادی انسان در انتخاب اعمال خود است. از نظر اسلام انسان موجودی مختار آفریده شده و هر کسی در فطرت وجود خویش این واقعیت را می یابد که در برابر افعال و نتایج حاصله از آن‌ها باید پاسخ گو باشد. با این وجود اراده گاه به جهاتی ممکن است مختل یا سلب گردد. در حقوق اسلام عوامل سلب اراده مرتکب تحت عنوان اجبار، اکراه و اضطرار مورد بررسی قرار گرفته اند. به موجب قواعد اسلامی هر گاه ثابت شود که اراده ی مکلف به علت اجبار یا اکراه یا اضطرار سلب شده، تکلیف از او ساقط و مسئولیت منتفی خواهد شد. باید توجه داشت که برحسب آنکه با کدام یک از دو گونه مسئولیت مدنی یا کیفری مواجه باشیم، قواعد متفاوت خواهد بود:

الف. مسئولیت مدنی. مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود عبارت از مسئولیت جبران خسارت ناشی از رفتارهای زیان بار است (ره پیک، ۱۳۸۸: ۲۲). مسئولیت مدنی اصولاً در اثر بی مبالائی اشخاص، و گاه به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده به وجود می آید. لیکن برای تحقق مسئولیت مدنی در همه حال وجود سه عنصر ضرورت دارد: تحقق ضرر، ارتکاب فعل زیان بار و رابطه سببیت بین فعل و ضرر وارد شده. هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران ضرر زیان دیده است، و اهداف دیگر مانند تنبیه وارد کننده ی زیان یا بازدارندگی نسبت به سایر اقدامات زیان بار که مسئولیت کیفری اهداف اصلی آن می باشد در مسئولیت مدنی نقشی فرعی ایفا می کنند.

ب. مسئولیت کیفری. مسئولیت کیفری عبارت است از التزام انسان به تحمل آثار و نتایج افعال مجرمانه که از او سر زده است، در واقع مسئولیت کیفری پل ارتباطی بین جرم





و مجازات می‌باشد، مجرم با عبور از این پل به عنوان مسؤول شناخته می‌شود (ساریخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). از دیدگاه کیفری، صرف ارتکاب پدیده مجرمانه، به خودی خود، موجب مسؤولیت کیفری نیست؛ بلکه لازمه ایجاد مسؤولیت کیفری و قابل سرزنش بودن مرتکب آن است که نخست، عمل با میل و اراده آگاهانه ارتکاب یابد، دوم عمل مرتکب توأم با سوءنیت یا خطای وی باشد، سوم: میان جرم ارتكابی و فاعل آن انتساب و رابطه علیت وجود داشته باشد، و چهارم اینکه مجرم دارای عقل، بلوغ، اختیار و بعضاً آگاهی باشد که در صورت وجود این شرایط مسؤولیت کیفری بر مجرم تحمیل می‌شود.

مسؤولیت کیفری مانند ترازوی عدالت است که در یکی از دو کفه ی آن جرم و دیگری مجازات است. وظیفه ی این شاقول، برقراری تعادل است. تا قرون متمادی به شخص توجه نمی‌شد و مرتکب در هر حال مستحق مجازات تلقی می‌گردید، حتی در تنبیه و سرکوبگری، فرقی بین صغیر و کبیر، عاقل و مجنون، مکره و مختار قائل نمی‌شدند، به عبارتی مسؤولیت کیفری امری موضوعی بود، به دنبال ظهور ادیان الهی، مکاتب کیفری و اندیشه های نوینی شکل گرفت که به موضوعاتی مانند اراده و اختیار، درک و تمیز و مسؤولیت کیفری و فروعات آن توجه بیشتری شد.

اکثر فقها شرایط عامه تکلیف را عقل، بلوغ، اختیار و قصد می‌دانند، بر همین اساس ماده (۱۶۸) ق.م.ا بیان می‌دارد «اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد». وجود این سه شرط به عنوان شرایط عامه مسؤولیت کیفری در جرایم عمد و غیر عمد ضروری است. مرتکب جرم یا گناه زمانی کیفر خواهد دید که شرعاً و قانوناً و عرفاً قابل بازخواست باشد. مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص، تعزیرات تنها زمانی محقق می‌شود که فرد در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد. حال پرسش اساسی این است که آیا شرایط عامه تکلیف شامل ربایک هم می‌شود یا خیر؟ قبل از پرداختن به این بحث لازم است هر چند به اجمال، مروری بر مبانی جرم‌انگاری ربایک داشته باشیم، زیرا پذیرش مسؤولیت کیفری ربایک فرع بر توجیه جرم‌انگاری جرایم در آن عرصه می‌باشد.

۲-۱. مبانی جرم‌انگاری در حوزه ربایک

عمل قانونگذار مبنی بر تصویب قانونی که مطابق آن رفتاری جرم محسوب شده و برای مرتکب آن مجازات در نظر گرفته می‌شود جرم‌انگاری نام دارد. قانونگذاران ملزمند تا





برای جرم‌انگاری اصولی را رعایت کنند، از این اصول تحت عنوان مبانی مشروعیت‌بخش و توجیه‌کننده جرم‌انگاری یاد می‌شود. حقوق‌دانان دو اصل صدمه^۱ و اصل سرزنش^۲ را به عنوان بنیادی‌ترین مبانی توجیهی جرم‌انگاری معرفی کرده‌اند.

ضرورت مشروعیت‌دهی جرم‌انگاری از این حقیقت ناشی می‌شود که اعضای جامعه، مطابق اصول آزادی و اباحه می‌توانند هر رفتاری را که بخواهند انجام دهند، مگر آنکه این رفتار به حقوق جامعه و سایر افراد لطمه وارد کرده و افکار عمومی را جریحه‌دار سازد، به گونه‌ای که تنها ضمانت‌اجرای قهرآمیز و شدید، در حد یک مجازات، قدرت بازدارندگی از تکرار آن را داشته و بتواند افکار عمومی را تسکین بخشد. بر این مبنا اصل بر ممنوعیت مداخله کیفری است، و رفتار را نمی‌توان از روی سلیقه جرم‌شناخت؛ به عبارت دیگر جرم‌انگاری اساساً امری خلاف اصولی چون آزادی، اباحه و برائت است. این امر قانون‌گذاران را از جرم‌انگاری دل‌خواهانه و گسترده‌ی رفتارها بر حذر می‌دارد، و آنان را ملزم می‌سازد تا جرم‌انگاری را به مواردی که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید در پی دارد محدود سازند. برای مثال جرم‌انگاری قتل عمد، کلاهبرداری، سرقت و خیانت در امانت قابل توجیه بوده و از مبانی مشروعیت‌بخش بهره می‌برند. جرایم مذکور با هر دو اصل صدمه و سرزنش مطابقت دارند؛ زیرا از یک سو، به امنیت، جان یا مال افراد صدمه وارد می‌کنند، و از سوی دیگر، تقبیح و سرزنش اخلاقی و اجتماعی را بر می‌انگیزانند، بنابراین پیش‌شرط جرم‌انگاری، رعایت اصول صدمه و سرزنش است.

صدمه‌گرایان و نتیجه‌گرایان^۳ بر این امر اصرار می‌ورزند که ابتدای مسئولیت کیفری بر عنصر تقصیر و وضعیت ذهنی مرتکبین ناصحیح است، زیرا نقش اولیه و اصلی حقوق جزای مدرن جلوگیری از صدمه است. بر این پایه مسئولیت کیفری در پرتوی فایده‌گرایی و صدمه‌مداری، با رفتار زیان‌باری که قانون تعیین می‌کند، پیوند می‌خورد و از بند مسئولیت اخلاقی رها می‌شود. بدین سان قصد مرتکب تأثیری فرعی در میزان مسئولیت کیفری بر جا می‌گذارد. بر اساس اصل صدمه، تنها اعمال منتج به زیان فرد و جامعه را می‌توان جرم‌شناخت، هر چند که مرتکب قاصد نبوده و تنها تخلف یا مسامحه‌ای کرده

۱ . Harm principle

۲ . Blame principle

۳ . consequentiality





باشد. جرم‌انگاری جرایم غیر عمدی، جرایم با مسئولیت مطلق و اعمالِ مخل نظم عمومی که قبح ذاتی ندارند، مدیون این دیدگاه فایده‌گرایانه است.

جرم‌انگاری جرایم مدرن ناشی از ماشین‌آلات پیشرفته از جمله ربات‌ها نیز بر اساس اصل صدمه و فایده‌گرایی مناسبت بیشتری دارد، زیرا ربات سبب ورود صدمه و آسیب گشته و زمینه‌های صدمه به جامعه را فراهم آورده؛ اگرچه اصل سرزنش نیز تا حدی در توجیه جرم‌انگاری این گونه رفتارها می‌تواند کاربرد داشته باشد، ولی اصل صدمه با این جرایم سازگاری بیشتری دارد، با این حال ممکن است در آینده مبنای جرم‌انگاری جرایم ارتكابی توسط ربات‌ها به سمت اصل سرزنش متحول شود، ولی بر اساس نظم کنونی اصل صدمه در این عرصه نمود بیشتری دارد.

۳-۱. مسئولیت کیفری ربات‌ها در جرایم علیه تمامیت جسمانی

جرایم علیه تمامیت جسمانی از زمره جرایم خشونت‌آمیز است، جرایمی که جسم و جان فرد را نشانه گرفته و از زمان‌های قدیم در نظام‌های حقوقی مختلف مجازات سنگینی برای مرتکبان به دنبال داشته است. حال اگر یک ربات مرتکب جرم علیه تمامیت جسمانی شود چگونه می‌توان او را جانی قلمداد نمود؟ مانند عنکبوتی که نیش خود را را وارد بدن می‌کند و به واسطه نیش آن قربانی می‌میرد، چگونه می‌توان عنکبوت را مسئول شناخت؟ یا یک طوطی که قادر به تکرار کلمات شنیده شده است، اما قادر به درک آن کلمات نیست، چگونه می‌توان آن را مرتکب جرم افتراء دانست؟ (Hallevy, 2010: 8). مناسب است بررسی این مسأله را متناسب با مصداق جرم علیه تمامیت جسمانی مورد مطالعه قرار دهیم.

شاخص‌ترین و البته شدیدترین جرم علیه تمامیت جسمانی قتل عمد است. برای عمدی محسوب شدن جرم، مرتکب باید ضمن عمد در فعل، قصد نتیجه را نیز داشته باشد (عامداً فی فعله، عامداً فی قصده)، با فقدان هر یک از این دو مؤلفه جرم ارتكابی عمدی نخواهد بود. ماده (۲۹۰) ق.م.ا. چند حالت را برای قتل عمدی مورد امعان نظر قرار داده است که عبارتند از:

الف. هر گاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین یا افراد غیر معین از یک جمع را داشته باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود خواه نشود.





ب. هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هر چند که قصد ارتکاب آن جنایت را نداشته باشد، ولی آگاه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ. هرگاه قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد، و کاری را هم که انجام داده است نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لیکن در خصوص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگری یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

حال سؤال اساسی آن است که آیا می‌توان این مصادیق قتل عمد را به ربات انتساب داد؟ در مورد قانون اول ربات‌ها که نباید به انسان‌ها آزار برسانند و اجازه ندارند به چیزی ضرر برسانند، ممکن است سؤال شود که اگر رباتی تحت سیطره کسی به قربانی صدمه وارد کند، مانند رباتی که در خدمت پلیس مأموریت دستگیری مظنونی را داشته و سبب ایراد آسیب بر او شده باشد؛ یا رباتی که در عملیات پزشکی به او دستور جراحی بر روی یک بیمار را داده باشند، و در این راستا صدمه‌ای را به بیمار وارد نماید، ربات را چگونه می‌توان مسؤول صدمه و در نهایت قتل عمد دانست؟ در بند (الف) ماده (۲۹۰) ق.م.ا. بیان شده که هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد... در این بند ممکن است که ربات یک عامل بی‌گناه باشد و از او به عنوان ابزار صرف استفاده شود، مانند یک پیچ گوشتی که سارق برای باز کردن درب از آن استفاده می‌کند، در این حالت بدیهی است که پیچ گوشتی را نمی‌توان سارق دانست چون فقط به عنوان یک ابزار از آن استفاده شده است (Hallevy, 2010: 9)؛ مثل اینکه کسی با استفاده از یک کودک که از لحاظ ذهنی فاقد حالات ذهنی کیفری است، جرمی را با استفاده از آن مرتکب شود، بدیهی است که در این موارد پیچ گوشتی، کودک و ربات هیچ‌یک شرایط عامه تکلیف جهت مسؤول شناخته شدن را ندارند.





جرم ارتكابی توسط ربات، به برنامه‌نویس^۱ یا کاربری^۲ که با استفاده از ربات به اهداف شوم خود رسیده‌اند، منتسب می‌شود، چون تمام عوامل تشکیل‌دهنده‌ی بزه به آن‌ها بر می‌گردد.

برنامه‌نویس نرم افزار ممکن است برنامه‌ای را به منظور ارتكاب جرم روی ربات طراحی و نصب کرده باشد. به طور نمونه با طراحی برنامه آتش زدن يك كارخانه در شب، سبب احراق كارخانه و در نهایت مرگ كارگران آن شود، در این موارد ربات كاملاً بی‌تقصیر است و برنامه‌نویس مجرم و قاتل شناخته می‌شود، هرچند ربات مباشر جرم است ولی جرم به او اسناد داده نمی‌شود، و موضوع مصداق بحث سبب اقوی از مباشر است، که برنامه‌نویس سبب اقوی محسوب می‌گردد (Hallevy, 2010: 10). این مثال مانند حالتی است که کسی با ادای شهادت کذب موجب محکومیت فرد بی‌گناهی به اعدام شود، در اینجا مباشر اجرای اعدام به لحاظ عدم امکان اسناد ناشی از فقدان تقصیر، مسؤولیتی نداشته و شاهد به عنوان سبب اقوی مسؤول است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۰۸).

طبق ماده (۵۲۶) ق.م.ا. که تصریح نموده در صورتی که مباشر در جنایت، بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، صرفاً سبب ضمان است، عبارت «مانند آن» که مشعر بر تمثیلی بودن مصداق دارد، دارد، قابلیت شمول بر دیگر مصداق همانند ربات را نیز دارد. لذا در این فرض، برنامه‌نویس نرم افزار که سبب می‌باشد، به حکم ماده ضامن و مرتكب قتل شناخته می‌شود.

کاربر، نرم افزار را برنامه‌ریزی نمی‌کند، اما با استفاده از برنامه طراحی شده در ربات، از آن منتفع می‌شود؛ به عنوان مثال يك کاربر با به کارگیری رباتی که برای اجرای هر دستوری که شخص به او فرمان می‌دهد طراحی شده است. چنانچه متعاقب دستور ضرب به فردی آسیب زند، ربات دقیقاً همان دستور داده‌شده را اجرا کرده، همانند حیوانی مثل سگ که در پی دستور صاحبش در حمله به دیگری، اقدام نموده است. در این حالات ربات مانند حیوان دست‌آموز قابل سرزنش نبوده و این کاربر است که قصد ارتكاب جرم را کرده و با دستور دادن به ربات آن را عملی نموده و لذا به اتهام ارتكاب بزه عمدی محکوم خواهد شد. حالت دیگر آنکه کاربر با استفاده از ربات سبب ترساندن قربانی شود،





وفق ماده (۵۰۱) قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد «هر گاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد، یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد، یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد، بر اثر این ارباب شخص بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می‌شود»؛ عبارت «هر کار دیگری که موجب هراس وی گردد» در این ماده، بیانگر جنبه تمثیلی و عام بودن آن است، و میتواند فرض ناظر بر ربات را هم شامل شود.

در مورد فراز بند ب ماده (۲۹۰) مشعر بر اینکه هر گاه مرتکب عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هر چند که قصد ارتکاب نداشته باشد، می‌توان فرض نمود کاربری که با استفاده از یک ربات جنگجو، در محل رفت و آمد مردم مانند خیابان رفته و سبب ایراد صدمه به آن‌ها شود، شخص کاربر که ربات را به این محدوده آورده ضامن است. چنانچه کاربر عمداً و با آگاهی از اینکه بردن ربات به آن مکان نوعاً موجب جنایت می‌شود، اقدام نموده باشد جنایت عمدی به وی استناد دارد.

در موارد سابق، کاربر یا برنامه‌نویس قصد صریح و مستقیم بر ارتکاب جرم را داشته (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۱۸)، به طوری که صدمه ممنوعه خواست قلبی و هدف مستقیم آن‌ها تلقی می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۸۷: ۱۹). در مورد اخیر جنایت واقع شده موضوع قصد صریح کاربر یا برنامه‌نویس نبوده، و قصد به صورت احتمالی جلوه یافته است. بند (ب) بر احتمالی بودن و قابل پیش‌بینی بودن جنایت واقع شده تصریح دارد. قصد احتمالی یا بی‌پروایی شدید، همان پیش‌بینی نتیجه رفتار است بدون آنکه نتیجه واقع شده را قصد شده باشد؛ قانونگذار از طریق وضع این مقرره در صدد آن است که از رهایی از مسئولیت قتل عمدی کسانی که رفتار آن‌ها مثل رفتار یک قاتل عمد قابل سرزنش می‌باشد جلوگیری کند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در مورد پیش‌بینی احتمالی جرایم ارتكابی توسط ربات دو مدل متفاوت وجود دارد، در مدل نخست برنامه‌نویس یا کاربر در به کارگیری ربات هیچ قصد مجرمانه‌ای برای ارتکاب جرم ندارد، اما در مدل دوم برنامه‌نویس یا کاربر آگاهانه و به منظور ارتکاب جرم از طریق ربات از آن استفاده می‌کند. در مورد اول یک نمونه خاص از غفلت است که در صورت ورود صدمه جنایت عمدی محسوب نمی‌شود؛ اما در مدل دوم می‌توان بحث هم‌دستی و شرکت در جرم را طرح کرد، به عنوان مثال یک





برنامه نویس، به ربات برنامه ارتکاب یک سرقت خشن را از یک بانک می دهد، اما برنامه برای کشتن طراحی نشده، حال اگر ربات کارمندان بانک را بکشد، به رغم اینکه برنامه سرقت خشن برای ربات طراحی شده، اما چون امکان پیش بینی چنین حادثه ای نیز از سوی برنامه نویس وجود داشته، برنامه نویس باید نسبت به اتهام قتل عمد پاسخگو باشد (Hallevy, 2010: 16).

مسئولیت شخص نگه دارنده ی ربات نیز قابل بحث می باشد. ربات مانند حیوانات و بچه ها نیاز به نگهداری دارد؛ همانگونه که نگهبان یک کودک یا حیوان مؤظف به مراقبت مناسب و نظارت بر کودک و حیوان برای جلوگیری از خطرهای قابل پیش بینی می باشد، شخصی که وظیفه کنترل یک ربات پیچیده را بر عهده دارد نیز با چنین تکلیفی مواجه بوده، و در صورت عدم حفاظت از آن ضامن است. اگر نگه دارنده با وجود خطرات احتمالی از ربات نگهداری نکند و نوعی عمد در فعل او باشد، می توان این ترک فعل او را به نحوی توأم با قصد غیر مستقیم تلقی کرد، مانند کسی که هفت تیری که فقط یک فشنگ را داشته، به سمت کسی نشانه می گیرد، و با وجود این احتمال که همان تیر نیز به سمت مجنی علیه شلیک شود، اقدام نموده و سبب قتل می شود، در این حالت به قتل عمدی محکوم خواهد شد، زیرا نوعی قصد احتمالی و غیر مستقیم در این فرض محقق است.

استفاده از ربات در جنایت های جنگی ممکن است عواقب غیر قابل کنترلی به بار آورد، اگر به ربانی دستور دهند که منطقه خاصی را مورد حمله قرار دهد، ولی ربات به مناطق دیگر نیز تجاوز کند تکلیف چیست؟ اگر بنا را بر عدم مسئولیت کیفری ناشی از عدم مؤاخذه پذیری ربات بگذاریم، زمینه ترغیب دولت ها به استفاده از ربات ها برای دست یابی به مقاصد شوم خود فراهم می شود. طبق دیدگاه سنتی، ربات به عنوان عامل بی گناه نمی تواند مسئول عواقب افعال خود تلقی شود؛ در برخی از حوزه های قضایی تمایل به پذیرفتن تئوری "یک مجرم در پشت یک مجرم دیگر" وجود دارد، که موضوع را تحت قاعده مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری می برد (Gross, 2012: 2).

مرگ قربانی در اثر فعالیت ربات ممکن است مشمول قتل غیر عمدی گردد، به طور مثال در خصوص به کارگیری ربات در عرصه پزشکی، وفق ماده (۴۹۶) ق.م.ا. اگر پزشک در معالجاتی که دستور آن را به ربات می دهد، موجب تلف و صدمه شود، پزشک ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) تمام ضوابط را رعایت نموده و مرتکب تقصیر نشده





باشد، و الا مرگ قربانی تحت عنوان قتل غیر عمد به پزشک دستور دهنده به ربات استناد دارد. یا فرضاً اگر رباتی مسؤول اجرای حکم قصاص عضو باشد و زیاده‌تر از عضو تلف گردد، در صورت احراز بی‌احتیاطی از سوی دستوردهنده کرده باشد ضامن دیه خواهد بود.

در جنایات مادون نفس، نیز مطابق همان قواعد ناظر بر جنایت بر نفس، نسبت به مسؤولیت کیفری شخص کاربر یا برنامه‌نویس تصمیم‌گیری می‌شود.

۴-۱. مسؤولیت کیفری ربات‌ها در جرایم علیه اموال و مالکیت

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف خود مالکیت مشروع را محترم شناخته، و بر اساس اصل (۴۶) هر کس مالک حاصل از کسب و کار خویش است، و هیچ کس نمی‌تواند این حق را از او سلب کند. ضرورت پیش‌بینی ضمانت‌اجرا برای صیانت از این اصول و به منظور جلوگیری از تجاوز احتمالی افراد نسبت به اموال دیگران امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا دو نمونه از اعمالی که در تعرض به حقوق مالی افراد جرم‌انگاری شده‌اند را بررسی می‌نماییم.

الف. سرقت. از جمله مهم‌ترین و شایع‌ترین جرایم علیه اموال و مالکیت سرقت است. به موجب ماده (۲۶۷) قانون مجازات اسلامی سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر. در رکن مادی جرم سرقت، مرتکب با فعلی مثبت و از طریق وضع ید و خارج کردن مال از تصرف مالکانه اقدام به ربایش آن می‌نماید. موضوع جرم باید مال، شیئی با ارزش اقتصادی، مشروع و منقول و متعلق به غیر باشد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵).

رکن رکن سرقت در حقوق ایران ربایش است که بدون تحقق آن رکن مادی جرم سرقت به وقوع نخواهد پیوست، اما در حقوق انگلستان عنصر تصاحب^۱ به عنوان جزء اصلی رکن مادی جرم سرقت می‌باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۳).

اگر ربایش مال توسط یک ربات صورت گیرد، چه کسی را می‌توان سارق شناخت؟ آیا قانونگذار تکلیف را روشن نموده است؟ طبق ماده (۲۷۲) ق.م.ا. هر گاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند خود مباشر محسوب می‌شود. به موجب جنبه تمثیلی این ماده که اشاره به "هر وسیله بی‌اراده‌ای" نموده، ربات نیز مشمول حکم آن می‌شود؛ پس زمانی که کسی، اعم از برنامه‌نویس یا کاربر، از رباتی برای ارتکاب سرقت استفاده نماید، مباشر به عنوان فاعل معنوی، به





مجازات مقرر در قانون، حسب حدی یا تعزیری بودن جرم ارتكابی، محكوم خواهد شد؛ همانند جایی که کسی با تعلیم حیوان یا کبوتری به عنوان ابزار ارتكاب جرم استفاده کند، و از طریق آن مال متعلق به دیگری را برباید، فرد تعلیم دهنده مباشر سرقت تلقی می شود (میر محمد صادقی ۱۳۸۷: ۲۰۸).

ب. تخریب. جرم تخریب از زمره جرایم علیه اموال و مالکیت محسوب می شود، و احتساب آن در زمره جرایم علیه امنیت و آسایش، به اعتبار موضوع مال مورد تخریب یا قصد و نیت مرتکب که در راستای جرایم تروریستی و خرابکارانه و به قصد مقابله با حکومت یا اهداف دیگر سیاسی اقدام می نماید خواهد بود. رکن مادی جرم تخریب نابود کردن و ایراد خسارت به مال غیر است، مالی عینی و ملموس که از نظر شرعی و قانونی برای آن مابازاء اقتصادی در نظر گرفته می شود.

در قانون تعزیرات در ماده (۶۷۷) بیان شده هر کس عمداً اشیا منقول یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید، یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید، یا از کار بیندازد؛ به مجازات حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد. اگر ربای مال متعلق به دیگری را تخریب کند، چگونه می توان او را به عنوان مباشر جرم تخریب دانست؟ هر گاه کسی با نیت و با قصد تخریب از ربای به عنوان وسیله تخریب استفاده کرده باشد، مانع از توجه مسئولیت کیفری به استفاده کننده ی عامد از ربای نخواهد بود. البته اگر در اثر سهل انگاری و بی احتیاطی، ربای اموال دیگران را تخریب نماید، به لحاظ عمدی بودن جرم تخریب، بحث از ارتكاب جرم سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

۱-۵. مسئولیت کیفری ربایها در جرایم علیه امنیت

جرایم علیه امنیت گستره وسیعی دارد، و در یسر آنها ربایها می توانند نقش آفرینی داشته باشند که در این بخش به مهم ترین آنها اشاره می شود.

الف. جاسوسی. یکی از مصادیق بارز و قدیمی جرایم فراملی علیه امنیت، جرم جاسوسی است که معمولاً به شکل سازمان یافته ارتكاب می یابد. جرم جاسوسی انواع مختلفی دارد که در قانون تعزیرات به آن اشاره شده است. ماده (۵۰۳) در این زمینه اساس مصداق عام جاسوسی را مورد حکم قرار داده است، که مطابق آن «هر کس به قصد سرقت، یا نقشه برداری، یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوط داخل شود؛ و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی صلاح در حال





نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند، به مجازات سه تا شش سال حبس محکوم می شوند». اگر کسی با یکی از مقاصد ذکر شده، رباتی را به مناطق ممنوعه بدون اجازه وارد کند و عکس یا فیلمی بگیرد آیا جرم جرم جاسوسی به وقوع پیوسته یا خیر؟ اگر برنامه نویس با نصب نرم افزاری بر روی ربات آن را به سوی اماکن ممنوعه هدایت کند، در صورتی که عمداً و با اطلاع و آگاهی صورت گرفته باشد، جاسوسی رخ داده و ربات به عنوان عامل بی گناه شناخته می شود، و برنامه نویس فاعل معنوی جرم جاسوسی محسوب خواهد شد، زیرا ربات دارای هیچ یک از شرایط عامه تکلیف نیست؛ اما اگر ربات به عنوان یک عامل مستقل و بدون هیچ قصد مجرمانه ای از جانب برنامه نویس یا کاربر وارد مناطق ممنوعه شده باشد، مشمول ماده (۵۰۳) نخواهد شد و هیچ کس ضامن نخواهد بود.

ب. بمب گذاری در اماکن عمومی. طبق بند (ت) ماده (۲۹۰) ق.م.ا. هر گاه کسی قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند بمب گذاری در اماکن عمومی، جنایت عمدی محسوب می شود. اگر این جنایت با استفاده از یک ربات انجام شود، اقدام کننده به عنوان مباشر جرم مسؤول شناخته می شود و مسؤولیت کیفری بر او بار خواهد شد.

البته چنانچه کاربر یا برنامه نویس قصد ارتکاب جنایت را نداشته و صرفاً به منظور آزمایش در یک محل غیر عمومی از ربات برای بمب گذاری استفاده نموده باشد، ولی ربات به صورت ناخواسته وارد اماکن عمومی شود، دو حالت دارد: در حالت اول، اگر منطقه آزمایشی در نظر گرفته شده برای ربات به اماکن عمومی نزدیک باشد، به نحوی که هر فرد عاقل امکان ورود ربات به اماکن عمومی مانند خیابان را پیش بینی کند، ولی کاربر یا برنامه نویس بی توجهی نماید، اگر درجه بی توجهی آن قدر بالا باشد که بتوان فرستادن ربات حامل بمب را به عنوان فعلی نوعاً کشنده تلقی نمود، بدون آنکه کاربر یا برنامه نویس قصد قتل یا جنایت را داشته باشد، جنایت واقع شده مشمول بند (ب) ماده (۲۹۰) می شود؛ و در حالت دوم، اگر منطقه مورد آزمایش با اماکن عمومی فاصله معقولی داشته باشد، و حسب اتفاق به لحاظ بی احتیاطی یا سهل انگاری یا عدم رعایت نظامات و مقررات یا عدم





مهارت جنایتی واقع شود، جنایات واقع شده غیر عمدی است، و برنامه نویس یا کاربر محکوم به پرداخت دیه خواهد شد.

در جرایم بیان شده، در برخی از موارد از ربات به عنوان عاملی بی تقصیر استفاده شده، و در بعضی از موارد نیز ربات به صورت مستقل نقض مقررات نموده بود، که در هر دو صورت ربات مسئولیت کیفری نداشت، و کاربر یا برنامه نویس طبق قاعده مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری مسئول شناخته می شدند. برخی بر آنند که ممکن نیست یک ربات از نظر اخلاقی مسئول قلمداد شود؛ اما در آینده ای نه چندان دور ربات قادر خواهد بود مسئول عواقب فعالیت های خویش باشد (Sparrow, 2007: 73).

۲. واکنش کیفری علیه ربات ها

در فرض پذیرش مسئولیت کیفری برای ربات، چگونه می توان او را مانند انسان به مجازات های متعارف مانند اعدام، حبس یا جزای نقدی محکوم کرد؟ مبنای تنظیم مجازات برای ربات بر فرض پذیرش مسئولیت کیفری رباتیک و ورای آنکه واقعیتهای عملی داشته باشد، مبتنی شده است (Hallevy, 2010: 34-35).

۲-۱. اعدام

مجازات اعدام برای انسان ها متضمن محرومیت فرد از زندگی است؛ در نظر گرفتن مجازات اعدام برای یک ربات ممکن است به همان نتایج برسد (محرومیت از زندگی). اجرای مجازات اعدام بر یک ربات موجب حذف نرم افزارهای کنترل می شود و هنگامی که نرم افزار کنترل حذف شد، ربات دیگر ناتوان از ارتکاب جرم بیشتر می شود، لذا حذف قوه مستقل کنترل برای یک ربات برابر با مجازات اعدام در انسان است (Hallevy, 2010: 29-30). البته می توان مجازات اعدام در مورد ربات را در قالب نیست و نابود کردن آن، و نه از کار انداختن نرم افزار اجرایی نمود. با توجه به هزینه های زیاد ساخت ربات به نظر می رسد این شیوه بازدارندگی بیشتری داشته باشد.

۲-۲. حبس

حبس یکی از محبوب ترین کیفرها در نظام های حقوقی غرب برای جرایم شدید می باشد. مجازات زندان برای انسان متضمن محرومیت از آزادی و اعمال محدودیت های شدید بر آزادی رفتار، آزادی حرکت و آزادی برای مدیریت بر زندگی خویش است (





31: 2010). Hallevy. آزادی یک ربات شامل آزادی برای فعالیت در محدوده تعریف شده برای او است. به عنوان مثال یک ربات که فعالیت پزشکی می کند، آزادی شرکت در عملیات جراحی را دارد، یا رباتی که در یک کارخانه تولیدی فعالیت دارد، آزادی عمل برای تولید دارد. با توجه به ماهیت حبس، تحمیل محدودیت هایی که موجب عدم امکان اقدام توسط ربات مجاز خواهد شد، در حقیقت مجازاتی با همان آثار حبس در نظر گرفته می شود که آزادی ربات را محدود می سازد.

۲-۳. الزام به کار عام المنفعه

الزام به خدمات اجتماعی یک ضمانت اجرای نوین در نظام های حقوقی غرب به جای حبس است. در مورد انسان ها تحمیل کار اجباری به عنوان مجازات در کنار حبس در نظر گرفته می شود. در مورد ربات ها نیز می توان آن ها را به عنوان کارگر در بسیاری از حوزه های کاری گمارد، مانند رباتی که در یک کارخانه جهت انتفاع آنجا و تسهیل کار سایر کارگران به کار گرفته می شود (Hallevy, 2010: 171).

۲-۴. جزای نقدی

حکم به جزای نقدی، محدودیتی متوسط به جای حبس است. پرداخت جریمه برای انسان ها باعث محرومیت از برخی از اموال شان می شود. زمانی که شخص ناتوان از پرداخت جریمه باشد یا اموال کافی برای پرداخت جریمه نداشته باشد، مجازات های جایگزین مانند حبس اعمال می گردند. معمولاً ربات ها هیچ مالی ندارند، و در واقع تحمیل جزای نقدی در مورد ربات ها جای تأمل دارد.

همان طور که در مجازات های قابل اعمال بحث شد، بیشتر مجازات های عمومی در مورد ربات ها قابل اعمال هستند. با این وجود می توان از گونه ای دیگر از واکنش های کیفری در مواجهه با جرایم رباتیک سخن گفت و آن مجازات هایی است که علیه شرکت های سازنده و طراح ربات اعمال می شود.

نتیجه گیری

توسعه سریع فناوری در عرصه هوش مصنوعی نیاز به راه حل های قانونی دارد. به منظور جلوگیری از خطرات بالقوه و نیز حفاظت از جامعه در برابر آسیب ها باید فعالیت در این عرصه در معرض قوانین و به ویژه مقررات جزایی قرار گیرد. در زمینه ربات ها لازم است





قوانین رباتیک، مخصوصاً قانون اول که یک ربات نباید به انسان آسیب بزند مورد توجه بیشتر قرار بگیرد. با توجه به افزایش کاربرد ربات‌ها لازم است حکومت‌ها بر مبنای اصولی چون صدمه به جرم‌انگاری در این عرصه پردازند و مسئولیت کیفری جرایم ارتکاب یافته را مشخص کنند. امروزه بزهکاری مدرن جای بزهکاری سنتی را گرفته است و از جمله مختصات آن استفاده از فن‌آوری‌های نو است که عرصه‌ی رباتیک در زمره آن‌ها است. از این رو لازم است راهکار مناسبی برای شناسایی مسئولیت کیفری و مدنی ربات‌ها، و استفاده کنندگان، و نیز حتی در مواردی تولیدکنندگان و طراحان آن‌ها در نظر بگیریم. به همین جهت ضروری است که از نظر فنی بتوانیم میزان مداخله طراح، برنامه‌نویس و کاربر نرم‌افزارهای نصب شده در رفتار ربات‌ها را کشف کرده، تا در نهایت میزان مسئولیت کیفری و مدنی آن‌ها مشخص شوند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی [شیخ صدوق]، أبو جعفر محمد، ۱۳۶۲ش، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چ ۱، ج ۲.
۲. حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۸۸ش، حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات سمت، چ ۲.
۳. ره پیک، حسن، ۱۳۸۸ش، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، تهران نشر خرسندی، چ ۳.
۴. ساریخانی، عادل، ۱۳۹۰ش، حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چ ۷.
۵. عاملی [شهید ثانی]، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، قم، کتابفروشی داوری، چ ۱، ج ۱۰.
۶. ملبویی، مهدی، ۱۳۸۳ش، مقدمه‌ای بر رباتیک متحرک (اصول و کاربردها)، تهران، انتشارات ارکان دانش، چ ۲، ج ۱.
۷. مهدی زاده، محمد، ۱۳۸۸ش، مبانی و طراحی و ساخت رباتیک، تهران، انتشارات الماس دانش، چ ۱.
۸. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲ش، جرایم علیه اشخاص، تهران، میزان، چ ۱۲.
۹. _____، ۱۳۸۹ش، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چ ۱۶.





۱۰. _____، ۱۳۹۲ ش، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، میزان، چ ۳۷.
۱۱. نور بها، رضا، ۱۳۸۶ ش، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چ ۱۸.
۱۲. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۹۲ ش، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی، تهران انتشارات جنگل، چ ۱.

13. Darling, Kate, (2012), MIT, Extending legal Rights to social Robots, Web Robot Conference, University of Miami, April 2012, from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2044797.
14. Gross, Owen, (2012), when Machines kill: criminal Responsibility for International crimes committed By lethal Autonomous Robots, from http://robots.law.miami.edu/wp-content/uploads/2012/04/Gross_When-Machines-Kill.pdf.
15. Gutiu, Sinziana, (2012), Sex Robots and Robotization of Consent, We Robot Conference, from http://robots.law.miami.edu/wp-content/uploads/2012/01/Gutiu-Robotization_of_Consent.pdf.
16. Hallevy, Gabriel, (2010), I, Robot – I, Criminal ' – when science Fiction Becoms Reality: Legal Liability of AI Robots committing criminal offenses, volume 22.
17. Hallevy, Gabriel, (2013), when Robots kills, united states, Northeastern.
18. Hubbard, F.Patrik, (2012), Regulation os and liability for risks of physical Injury from " sophisticated Robots", from http://robots.law.miami.edu/wp-content/uploads/2012/01/Hubbard_Sophisticated-Robots-Draft-1.pdf.
19. kerr, Ian & szilagyi, Katie, (2010), Asleepat the switch? from http://robots.law.miami.edu/wp-content/uploads/2012/01/Kerr_Szilagyi_Asleep-at-the-Switch.pdf.
20. mcnelly, Phil & Inayatullah, sohail, (2010), The Rights of Robots: Technology, Culture and Law in the 21ST Century, from <http://www.metafuture.org/Articles/TheRightsofRobots.htm>.
21. Neilm, Richards, (2013), How should the law think about robots? from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2263363.
22. Sparrow, obert, (2007), Killer Robots, Journal of Applied Philosophy, Vol 24, No 1.
23. Van den Heuvel, M.G.W. & Van der Hulst, R.P.W.J., (2008), Robotic assistance in microvascular surgery, Belmont, Intech Open Access Publisher, from http://allaboutroboticsurgery.com/images/robotic_assistance_in_microvascular_surgery.pdf.

